**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و یازدهم\_ 18 آبان 1400**

**[مختاردر مرجح چهارم]**

در بحث فرق بین تعارض و تزاحم بر نکته­ای تأکید داشتیم که مققن حکیم و عالم اگر بداند اطلاق قانون او در یک مورد، با اطلاق قانون دیگرش، به نحوی توسط مکلف قابل جمع نیست، به اقتضا آن علم و حکمت یا باید خود راه حل مشکله تزاحم را بیان کند و یا به حکم عقل و سیرۀ عقلا اعتماد کند. اگر نه خود راه­حلی ­بیان کند، نه راه­حل عقلانی و عقلایی را بپذیرد، قطعا منافات با حکمت الهیه خواهد داشت.

در این مرجح چهام بر همین اساس باید مشی کرد و اموری عقلانی و عقلائی را مبنا قرار داد، برای این مرجح چهارم، یکی از آن امور عقلانی، قبح ترجیح مرجوح بر راجح است، اگر مرجوح بلا علة بر راجح مقدم شد، این خلاف مرجوح بودن مرجوح، و راجح بودن راجح است، امری است عقلانی.

دومین نکته این که باید نسبت به اغراض مولا حفظ کنیم قدرت خودمان را تا آن اغراض محقق شود، اگر مولا مولای حقیقی است به حکم عقل و اگر مولا مولای عرفی است به حکم عقلا و سیرۀ آن­ها، حفظ اغراض مولا لازم است.

سومین نکته این که باید آنجا که توان حفظ تمام اغراض مهم نیست، بین اغراض او اهم و مهم کرد و اغراض اهم را مقدم بر اغراض مهم قرار داد.

چهارمین مطلب الممتنع عقلا کالممتنع حقیقتا و تکوینا. اگر من اساسا قدرت نداشتم و عاجز محض هستم، ممتنع است تکوینا و حقیقتا. اگر جایی عاجز حقیقی نیستم ولی کاری که انجام می دهم خلاف موازین عقلانی است، به حکم عقل باید از آن خودداری کنم، این الممتنع عقلا، حکم الممتنع تکوینا را دارد و نمی­شود من مکلف باشم به الممتنع حقیقتا و تکوینا، چنان که نمی­شود مکلف باشم، الممتنع عقلا.

با توجه به این نکات نتیجه این می شود اگر انجام دو واجب فی زمان واحد بود و متساویین فی الکلام بودند و احدهما بر دیگری ترجیح نداشت، عقل حکم به تخییر می کند.

ثانیا اگر دو واجب در زمان واحد بود ولی یکی بر دیگری ترجیح داشت، عقل حکم به ترجیح اهم می­کند.

ثالثا اگر دو واجب داشتیم، یکی اهم و دیگری مهم، اهم اسبق زماناً از مهم بود، هم به جهت اهمیت و هم به جهت فعلیتی که اهم پیدا کرده، حق نداریم سراغ مهم برویم.

رابعا اگر مهم اسبقُ زمانا من الاهم بود، این­جا به همان دلیلی که گفتمی به حکم عقل و عقلا حفظ اغراض مولا لازم است، و اگر حفظ این غرض متوقع بود بر آمادگی­های پیشین باید آماده شود، پس عند دوران الامر بین صرف القدرة فی الواجب الاهم، او صرفها فی الواجب المهم، عقل حکم به صرف قدرت در واجب اهم می­کند. به عبارت اخری در این جا من هستم و یک وجوب شرعی مهم و یک وجوب عقلی حفظ قدرت، و در چنین جایی عقل حکم می کند که آن حفظ قدرت بر تو لازم است. صبر کن تا نوبت اهم برسد، آن را انجام بده.

خامسا با بیانی که گفتیم نه تنها در مقطوع الاهمیة چنین مطلبی را قائلیم، بلکه به حکم عقل نسبت به لزوم ترجیح محتمل الاهمیة باید، محتمل الاهمیة را که احتمال عقلائی، نه احتمال موهوم نسبت به اهمیتش می­دهیم، مقدم کنیم.

این اساس این مرجح با بیان بنده.

**[ملاک و مناط اهمیت]**

اما سؤال: این اهمیت بین دو واجب را، یا محتمل الاهمیة را، به چه ملاک و مناطی قائل هستید؟

پاسخ این است که گاهی اهمیت ها به حکم عقل است، مثل اهمیت حفظ جان، مثل اهمیت حفظ آبرو. گاهی از روح و مذاق شریعت می توان استفاده کرد، همواره دنبال نص خاصی بر اهمیت یک واجب بر واجب دیگر نباشید.

هذا تمام الکلام در این بحث.

**[فرع فقهی]**

فرعی فقیهی به تبع سید کاظم یزدی، صاحب عروة نور الله مضجعه مطرح شده است، که به نحوی مربوط به همین مبحث ما خواهد بود، مرحوم سید در دوجای عروة، یکی در شرط ششم مکان مصلی، یکی در بحث قیام در صلاة، مسألۀ هفدهم، یک فرع را در این دو جا مطرح فرموده است. عین عبارت سیدنا العزیز این است:

**لو دار الامر بین مکانیین فی احدهما قادر علی القیام، لکن لا یقدر علی الرکوع و السجود، الا مؤمیا و فی الآخر لا یقدر علیه، و یقدر علیهما جالسا، فالاحوط الجمع بتکرار الصلاة و فی الضیغ لا یبعد التخییر**

زندانی را تصور کنید که یک بخش از سلول او به گونه­ای است که نمی تواند در تمام نماز بایستد و همه ارکان نماز را به صورت معمولی انجام دهد. یک بخش از سلول به گونه ایی است که فقط می تواند بایستد و بس، جای رکوع و سجده ندارد، رکوع و سجده را باید با ایماء انجام دهد اگر این طرف نماز بخواند.

اگر بخواهد در آن طرف نماز سلول نماز بخواند، نمی تواند بایستد ولی می تواند رکوع و سجود شکسته به جا بیاورد. شما می دانید، رکوع و سجود نشسته مقدم بر ایماء در حالات معمولی است، اما اینجا این صورت مسأله به وجود آمده است که یا باید قیام داشته باید رکوع و سجده ایمائی، یا باید بنشیند، رکوع و سجده را هم نشسته به جا بیاورد، کدام مهم است.

سیدنا تفصیل میدهد، بین حالت ضیق وقت و عدم ضیق وقت در حالت ضیق وقت می فرماید احوط جمع به تکرار نماز است، یک نماز این ور سلول بخواند، یک نماز آن طرف سلول، در حالت عدم ضیق وقت. در حالت ضیق وقت می فرماید لا یبعد به این که بگوییم مخیراست به این که این طرف سلول نماز بخواند یا آن طرف. عینا این مساله را در بحث قیام هم مطرح می کند.

این فرع جزء فروعی است که معرکۀ آراء شده است حتی بعضی از محشین بزرگوار عروة در این دو جا اختلاف نظر دارند، در یک جا فرموده است، قیام مقدم است، در جایی فرموده است، رکوع و سجود نشسته مقدم است با این که مسالتین یک چیز است ولی دو جا مطرح شده است. این نشان می دهد مساله مساله صاف و بلا اشکالی نیست، معضلاتی در این جا مشاهده می شود.

**[فتوای محقق نائینی در این فرع]**

محقق نائینی اعلی الله مقامه در بحث مکان مصلی، رکوع و سجود را نشسته مقدم می کند، می فرماید بعید نیست که بگوییم نماز نشسته مع الاتیان بالرکوع و السجود مقدم است و ترجیح دارد. اما همین بزرگوار در بحث قیام می فرماید احوط این است که قیام را برگزینیم، رکوع و سجود را ایماءً انجام دهد.

**[فتوای مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در این فرع]**

مرحوم فقیه بزرگوار سید ابوالحسن اصفهانی رضوان الله تعالی علیه، آنچه را سید در بحث مکان مصلی فرموده تعلیقه نزده، یعنی نظر سید را قبول دارد و الا تعلیقه می زد، نظر سید این بود که احوط جمع به تکرار است اگر ضیقی نبود و عند الضیق التخییر. همین سید ابوالحسن اصفهانی در کان مصلی حاشیه نزده است ولی در بحث قیام می فرماید لا یبعد وجوب تقدیم الاول، بعید نیست که بگوییم واجب شق اول را اختیار و تقدیم کند، یعنی نماز را قائما بخواند، سجده و رکوع را ایماءً.

**[فتوای مرحوم حائری در این فرع]**

مرحوم شیخ موسس، شیخ عبدالکریم حائری اعلی لله مقامه اشلریف، در بحث مکان مصلی تعلیقه­ایی نزده است و لی در بحث قیام می­ فرماید الاحوط فی الضیق تقدیم القیام، مع القضاء . احوط وجوبی آن است که قیام را در هنگام ضیق مقدم کند و بعد هم قضاء

**[فتوای مرحوم سید عبد الهادی شیرازی در این فرع]**

مرحوم فقیه بزرگوار سید عبدالهادی شیرازی که از بزرگترین فقها و زهاد و عباد شیعه است، ایشان در بحث مکان مصلی نفی بعد می کند از تعیّن ثانی، یعنی بعید نیست بگوییم جالسا نماز به خواند و رکوع و سجدۀ جلوسی انجام دهد ولی همین بزرگوار در بحث قیام می فرماید بین هر کدام از این دو شق مخیر است ولی احتیاطا باید قضاء را انجام دهد

**[فتوای محقق بروجردی در این فرع]**

فقیه الطائفه سیدنا البروجردی اعلی الله مقامه در بحث مکان مصلی تعلیقه­ایی نزده است، ولی در بحث قیام می فرماید یختار الاول منهما، یعنی قیام را ولو با رکوع و سجدۀ ایمائی انتخاب کند.

**[فتوای مرحوم سید محسن حکیم در این فرع]**

مرحوم سید صاحب مستمسک، سید محسن حکیم رحمه الله در بحث مکان مصلی قائل به تخییر می شود، بین گزینۀ اول و دوم، و می گوید هر کدام را که انجام دادی، دیگری را احتیاطا به عنوان قضا انجام بده، اگر نماز قائما را انتخاب کردی، جالسا ترک کردی، قضا به جا بیاور، اما در بحث قیام می فرماید الاحوط تقدیم الثانی و قضاء الاول، نشسته مقدم شود و اولی قضا شود یعنی قیام قضا شود.

**[فتوای مرحوم سید احمد خوانساری در این فرع]**

و بالاخره فقیه و متکلم گرانقدر شیعه سید احمد خوانساری صاحب جامع المدارک، در بحث مکان مصلی می فرماید الاحوط الجمع بینه، و بین القضاء خارجَ الوقت، ولی همین فقیه بزرگوار در بحث قیام می­فرماید الاقوی الاتیان باحدهما فی الوقت و بالآخر فی الخارج الوقت.

خلاصه اضطراب کلمات علمائ با این همه دقت و تأملاتی که دارند، کشف می کند از این­که این مسأله مسألۀ ساده­ایی نیست.

ببینیم در این مساله چه باید گفت، آیا این جا از موارد تعارض است یا از موارد تزاحم و این که بالاخره مستند سید صاحب عروة و محشین چیست.

و صلی لله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .